

سال سوم  
شماره ۲۱  
مهر ۹۹  
۱۲ صفحه

# رسا



موسسه آموزش عالی رسام  
غیردولتی - غیرانتفاعی





## ... فهرست ...

۲	جلال‌الدین محمد بلخی
۳	داستان آشنایی مولانا با شمس
۴	شمس تبریزی
۶	معرفی هنرمند (مرتضی ممیز)
۹	معرفی کتاب (سمفونی مردگان)
۱۰	معرفی فیلم (انجمن شاعران مرده)
۱۲	منابع



نشریه دانشجویی رسا



موسسه آموزش عالی رسام  
غیردولتی - غیرانتفاعی

«نشریه دانشجویی رسا» با حمایت معاونت دانشجویی-فرهنگی دانشگاه رسام منتشر می شود.

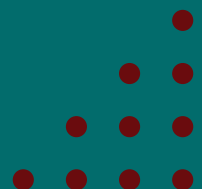
طراح و صفحه آرا: محدثه میرحسینی

ارتباط با ما:

 [rasamuniversity.info@gmail.com](mailto:rasamuniversity.info@gmail.com)

 [www.rasam.ac.ir](http://www.rasam.ac.ir)

 [rasam.university](https://www.instagram.com/rasam.university)



# جلال‌الدین محمد بلخی

## شرح زندگی مولوی

جلال‌الدین محمد بلخی معروف به مولوی و مولانا و رومی در ششم ربیع الاول سال ۶۰۴ هجری در شهر بلخ دیده به جهان گشود. مولوی از مشهورترین شاعران ایرانی تبار پارسی‌گوی است نام کامل وی «محمد ابن محمد ابن حسین حسینی خطیبی بکری بلخی» بوده و در دوران حیات به القاب «جلال‌الدین»، «خداوندگار» و «مولانا خداوندگار» نامیده می‌شده‌است. در قرن‌های بعد (ظاهراً از قرن ۹) القاب «مولوی»، «مولانا»، «مولوی رومی» و «ملای رومی» برای وی به کار رفته‌است و از برخی از اشعارش تخلص او را «خاموش» و «خَموش» و «خامُش» دانسته‌اند. زبان مادری وی پارسی بوده است.

## ازدواج مولوی

مولوی در هجده سالگی با گوهر خاتون دختر خواجه لالای سمرقندی ازدواج نمود که حاصل این ازدواج سه پسر و یک دختر بود. پس از فوت پدرش بهاء‌الدین ولد راه پدر را ادامه داده و به هدایت و ارشاد مردم عمر خود را سپری نمود.

## درگذشت مولوی

بالاخره روح ناآرام جلال‌الدین محمد مولوی در غروب خورشید روز یکشنبه پنجم جمادی الاخر سال ۶۷۲ هـ قمری بر اثر بیماری ناگهانی که طیبیان از درمان آن عاجز گشتند به دیار باقی شتافت.

## مسافرت‌های مولوی

مولوی در سفر زیارتی که پدرش از بلخ عازم آن شد پدرش را همراهی نمود، در طی این سفر در شهر نیشابور همراه پدرش به دیدار شیخ فریدالدین عطار عارف و شاعر شتافت. ظاهراً شیخ فریدالدین سفارش مولوی را در همان کودکی (۶ سالگی یا ۱۳ سالگی) به پدر نمود. در این سفر حج علاوه بر نیشابور در بغداد نیز مدتی اقامت کردند و ظاهراً به خاطر فتنه تاتار از بازگشت به وطن منصرف گردیده و بهاء‌الدین ولد در آسیای صغیر ساکن شد. اما پس از مدتی براساس دعوت علاء‌الدین کیقباد به شهر قونینه بازگشت.



## داستان آشنایی مولانا با شمس



مولوی همچنانکه گفتیم یک لحظه از تربیت خود غافل نبوده، تاریخ اینچنین می‌نویسد که روزی شمس وارد مجلس مولانا می‌شود. در حالی که مولانا در کنارش چند کتاب وجود داشت. شمس از او می‌پرسد این که اینها چیست؟ مولانا جواب می‌دهد قیل و قال است. شمس می‌گوید و ترا با اینها چه کار است و کتابها را برداشته در داخل حوضی که در آن نزدیکی قرار داشت می‌اندازد.

مولانا با ناراحتی می‌گوید ای درویش چه کار کردی برخی از اینها کتابها از پدرم رسیده بوده و نسخه منحصر بفرد می‌باشد. و دیگر پیدا نمی‌شود؛ شمس تبریزی در این حالت دست به آب برده و کتابها را یک یک از آب بیرون می‌کشد بدون اینکه آثاری از آب در کتابها مانده باشد. مولانا با تعجب می‌پرسد این چه سرّی است؟ شمس جواب می‌دهد این ذوق و حال است که ترا از آن خبری نیست. از این ساعت است که حال مولانا تغییر یافته و به شوریدگی روی می‌نهد و درس و بحث را کنار می‌گذارد و شبانه روز در رکاب شمس تبریزی به خدمت می‌ایستد. و به قول استاد شفیعی کدکنی تولدی دوباره می‌یابد.

هر چند که مولوی در طول زندگی شصت و هشت ساله خود با بزرگانی همچون محقق ترمذی، شیخ عطار، کمال‌الدین عذیم و محی‌الدین عربی حشر و نشرهایی داشته و از هر کدام توشه‌ای برانداخته ولی هیچکدام از آنها مثل شمس تبریزی در زندگی‌اش تاثیر گذار نبوده تا جائیکه رابطه‌اش با او شاید از حد تعلیم و تعلم بسی بالاتر رفته و یک رابطه عاشقانه گردیده چنانکه پس از آشنایی با شمس، خود را اسیر دست و پا بسته شمس دیده است.

پس از غیبت شمس از زندگی مولانا، با صلاح‌الدین زرکوب دمخور گردید، الفت او با این عارف ساده دل، سبب حسادت عده‌ای شد. پس از مرگ صلاح‌الدین، حسان‌الدین چلبی را به عنوان یار صمیمی خود برگزید. که نتیجه همنشینی مولوی با حسام‌الدین، مثنوی معنوی گردیده که حاصل لحظه‌هایی از هم صحبتی با حسام‌الدین می‌باشد. علاوه بر کتاب فوق ایشان دارای آثار منظوم و منثور دیگری نیز می‌باشند که در زیر به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود.

# شمس تبریزی

شمس تبریزی متولد سال ۵۸۲ هجری قمری در تبریز است. عشق استاد \_ شاگردی میان شمس و مولانا زبانزد مردم آن زمان بود به طوریکه بذر کینه و دشمنی را پاشیدند و شمس مجبور به ترک قونیه شد، هفتم مهرماه به عنوان روز بزرگداشت شمس تبریزی نامگذاری شده است.

## زندگی نامه شمس تبریزی

محمد بن علی بن ملک داد تبریزی ملقب به شمس‌الدین یا شمس تبریزی در سال ۵۸۲ هجری قمری در تبریز متولد شد. او از بزرگان صوفیه در قرن ۷ است. شمس به ریاضیات، جهانگردی و مکتب داری می‌پرداخت. او ابتدا تحت شاگردی شیخ ابوبکر زنبیل باف تبریزی بود. شمس بسیار عاشق سفر بود و به نقاط مختلف می‌رفت تا تجربه‌های فراوانی به دست آورد.

## شمس تبریزی و مولوی

شمس تبریزی در سفرهایش به قونیه در حالی که ۶۰ ساله بود با مولوی ملاقات کرد. تا پیش از این دیدار، مولوی از عالمان و فقیهان بود و به تدریس علوم دینی اشتغال داشت. پس از این

## شمس تبریزی و کیمیا خاتون

شمس تبریزی و کیمیا خاتون در سال ۶۴۲ با یکدیگر ازدواج کردند. کیمیا خاتون در آن زمان ۲۵ ساله و دختر محمد شاه (دختر خواننده مولانا) است. مادر کیمیا خاتون، کراخاتون بعد از مرگ محمدشاه

به عقد مولانا درآمد. شمس و کیمیا ۳۵ سال اختلاف سنی داشتند و صاحب فرزندی به نام حبيب شکربر شدند.

## مرگ شمس تبریزی

شمس تبریزی و مولوی حامی

دولت سلجوقی و مغول بودند اما فرزندان مولوی مخالف دولت وقت بودند به همین دلیل گفته می‌شود شمس توسط فرزندان مولانا به قتل رسیده است.



# مرتضی ممیز

پدر هنر گرافیک معاصر ایران



## کودکی و نوجوانی

مرتضی ممیز در خانواده‌ای هنردوست متولد شد و در دوران کودکی استعداد و علاقه‌ی ویژه‌ای به نقاشی و طراحی نشان داد، دوران متوسطه برای کمک به خرج تحصیل خود برای مغازه‌ها تابلونویسی می‌کرد در آن دوران بود که به خاطر علاقه خانوادگی به مصدق وارد جریانات سیاسی شد که نتیجه آن چند کاریکاتور در روزنامه‌ی شاهد شد، در سال‌های آخر دبیرستان مرتضی گاهی به کتابخانه‌ی وابستگی فرهنگی سفارت لهستان سر می‌زد و در آنجا بود که برای اولین بار با مجله‌های «پولند» و «گرافیک» لهستان آشنا شد.

## تحصیلات دانشگاهی

سال ۱۳۳۵ او وارد دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران در رشته نقاشی شد و در آنجا زیر نظر علی محمد حیدریان که از شاگردان کمال الملک بود آموزش می‌بیند، در دانشگاه بود که با سهراب سپهری، پرویز کلانتری، ژازه طباطبایی، چنگیز شهوق و ... آشنا می‌شود، در ۱۳۴۴ از دانشگاه فارغ‌التحصیل شد و برای ادامه تحصیل راهی فرانسه می‌شود و گواهی طراحی‌اش را در مدرسه‌ی هنرهای تزئینی فرانسه اخذ می‌کند، در همان‌جا بود که با فیروزه صابری آشنا شده سال‌های بعد با او ازدواج می‌کند، زندگی مشترک آن‌ها تا سال ۱۳۷۵ که سرطان فیروزه آن را پایان داد ادامه پیدا کرد.

## آثار

مرتضی ممیز در زمینه طراحی پوستر، نشان، تصویرسازی، صفحه‌آرایی و طراحی جلد کتاب و مجلات آثار ماندگاری بجا گذاشته‌است.

معروف‌ترین نشان‌واره (لوگو)های طراحی‌شده توسط مرتضی ممیز

طراحی نشان‌واره (لوگو) یکی از تخصص‌های گرافیکی محسوب می‌شود. مرتضی ممیز که خود طراح و بنیان‌گذار رشته‌ی گرافیک در ایران است، نشان‌واره‌های بسیاری را برای سازمان‌ها، شرکت‌ها، و موسسات طراحی کرد که هر یک از آن‌ها از معروف‌ترین و شناخته‌شده‌ترین نشان‌واره‌ها در ایران به‌شمار می‌روند. از جمله این نشان‌واره‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

## ۱۳۳۷: سازمان چای کشور

قدیمی‌ترین طرحی که مرتضی ممیز به عنوان نشان‌واره برای یک سازمان طراحی کرد، نشان‌واره «سازمان چای کشور» است. این نشان‌واره که در ۱۳۳۷ با الهام گرفتن از طرح ساده برگ چای طراحی شده‌است، یکی از ساده‌ترین، زیباترین، و در عین حال ماندگارترین نشان‌واره‌های طراحی‌شده به دست مرتضی ممیز است.



## ۱۳۵۳: انجمن حسابداران خبره ایران

نشان‌واره انجمن حسابداران خبره ایران یکی از شاهکارهای مرتضی ممیز است. وی درباره‌ی طراحی این نشان‌واره می‌گوید: «نشانه «انجمن حسابداران خبره ایران» اولین کاری بود که به شیوه مونوگرام ساختم، زیرا طرح برای موضوع حسابداران کاری مشکل بود و هر نقشی که می‌ساختم ممکن بود مورد تفسیر و خیال‌پردازی‌های گوناگون قرار گیرد. این بود که پس از مدتی طراحی و مطالعه ملاحظه کردم حروف اول کلمات عنوان انجمن از حروفی تشکیل شده [است] که به خوبی می‌تواند ریتم جالبی را به وجود آورد و این نشانه به وجود آمد.»



## ۱۳۵۵: موزه رضا عباسی

وی درباره‌ی طراحی این نشان‌واره می‌گوید: «برای طراحی نشانه موزه‌ی رضا عباسی فرصت مغتنمی برایم پیش آمد، زیرا این نقاش جد بزرگ خانواده‌ی من است؛ این بود که مشتاقانه دست به کار شدم و کنار دست محمد احصایی نشستم و از صبوری او استفاده کردم و دایم پیچ و خم‌ها را به قلم و دست او دادم تا ترکیب نوشته به دست آمد و بعد در آتلیه‌ام مفصل روی ترکیب‌بندی‌ها کار کردم. آیدین آغداشلو هم روی گل اسلیمی اصلاحاتی انجام داد.»





## • ۱۳۶۶: شرکت سهامی ایرانی تولید اتومبیل (سایپا)

نشان‌واره شرکت سهامی ایرانی تولید اتومبیل (سایپا) نیز یکی از آشناترین نشان‌واره‌ها برای ایرانیان است. نشان‌واره‌ای که سال‌ها است آن را در خیابان‌های شهر و بر روی اتومبیل‌های گوناگون ساخت این شرکت می‌بینیم. ممیز این نشان‌واره را در ۱۳۶۶ و پس از رونق گرفتن کارخانه ی سایپا برای این شرکت طراحی کرد. این نشان‌واره امروز به یکی از معروف‌ترین برندهای محصولات ایرانی تبدیل شده‌است. ممیز طراحی این نشان‌واره را این‌گونه توصیف کرد: «به کارخانه ی سایپا چند طرح خوب دیگر را هم پیشنهاد دادم، اما آن‌ها این طرح را که براساس نقوش آجری بناهای مراغه ساخته بودم و شباهتی به نشانه ی اتومبیل‌سازی مرسدس بنز داشت انتخاب کردند»

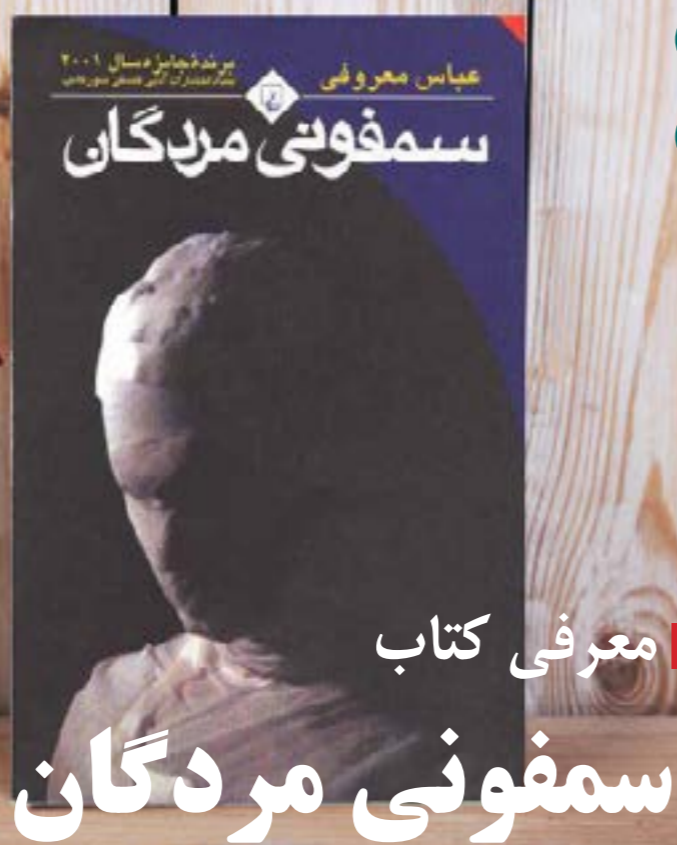
## • ۱۳۶۸: شهرداری تهران

ممیز درباره ی طراحی این نشان‌واره می‌گوید: «هدف اصلی‌ام در طراحی نشانه ی شهرداری تهران، نشان‌دادن شهری با دروازه‌های قدیمی‌اش بود. ضمن کار، از ترکیب دروازه‌ها به نقش گلی رسیدم. تعداد دروازه‌های قدیم تهران ۱۲ تا بود. فکر کردم برای حفظ سادگی نقش، تعداد گلبرگ‌ها را به کم‌ترین عدد مناسب برسانم.»



## • ۱۳۷۴: سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران

نشان‌واره آشنایی که روی ماشین‌های آتش‌نشانی در تهران می‌بینیم نیز از آثار ماندگار مرتضی ممیز است که آن را در ۱۳۷۴ برای سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران طراحی کرد. در این نشان‌واره طرحی از یک شعله مهارشده دیده می‌شود. او درباره ی نشان‌واره این سازمان گفت: «برای آن که شعله را طراحی کنم تلاش زیادی کردم. اول خواستم شعله ی سرکشی را طراحی کنم؛ بعد فکر کردم شعله حالت شعاری پیدا می‌کند و بالاخره فکر کردم اگر شعله فرمی قوی و چشم‌گیر داشته باشد هم نیت اولیه ی مرا مطرح می‌کند و هم جنبه ی اخطار و توجه را به خوبی القاء می‌کند. چارچوب سیاه رنگ روحیه ی تسلط و کنترل آتش را تداعی می‌کند.»



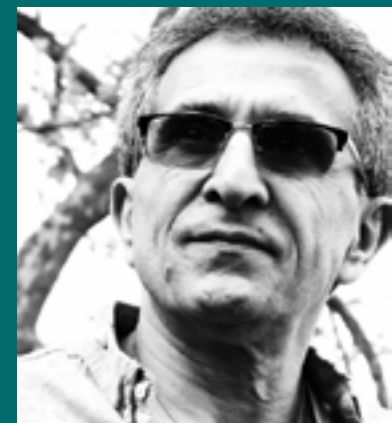
## معرفی کتاب

## سمفونی مردگان

در توصیف کتاب سمفونی مردگان زیاد نوشته اند و خواهند نوشت، اما با این حال یک پرسش در دل متن تا ابد جاودانه می‌ماند. پرسشی که پاسخ به آن، رجوع به خلوت آدمی را می‌طلبد. کدام یک از ما آیدینی در زندگی نداشته ایم، روح هنرمند او را به کشتن نداده ایم و در تکاپوی یافتن او خود را در ذهن وی نجسته ایم؟

سمفونی مردگان یک داستان غم‌انگیز است که در خانواده از سنتی شش نفره در اردیبهشت سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۵۵ روایت می‌شود. شخصیت‌های داستان، پدر، مادر، یوسف برادر بزرگتر، آیدا و آیدین دوقلو و فرزند آخر اورهان است. فضای سرد و یخ‌زده ی اردبیل به لمس قصه ی تراژیک کمک زیادی می‌کند و باعث می‌شود سرما از کلمات برخیزند سپس در تن و جانمان نفوذ کنند.

داستان دارای وجه‌های بسیاری است از جمله: روایت تاریخی و اجتماعی آن دوره، برادرکشی، آسیب‌های مذهب و سنت وقتی اندیشه ای پشت آن نباشد، عشق و ... که در یک رمان می‌توان همه ی این‌ها را به خوبی تجربه کرد. کتاب دارای چند راوی به صورت گردشگری است و البته تک‌گویی‌های ذهن که جریان سیال قصه را روایت می‌کند. روایت خطی در داستان وجود ندارد و نویسنده با هوشمندی خود زمان گذشته



معروفی می‌گوید: از همان ابتدا نام کتاب را «سمفونی مردگان» نامیدم چون همان موقع که این را می‌نوشتیم و شخصیت‌های داستان در ذهنم سازبندی شده بود. مثلاً می‌دانستم که کدام شخصیت ویولن است، کدام سازبادی می‌نوازد و کدام طبل است.

و حال را همچون موی بلند بهم می‌بافد و از کل به جزء می‌رسد که مخاطب را تا آخر محذوب قصه نگه می‌دارد، با تغییر مداوم زمان قصه و تک‌گویی‌های ذهنی نویسنده به روان‌کاوی شخصیت‌های اصلی نیز می‌پردازد.

# انجمن شاعران مرده



فیلم **Dead Poets Society** از شاهکارهای درام سینما است که طرفداران و علاقه‌مندان بسیاری دارد و یک درام واقعی و به دور از ضعف‌های کوچک ژانری است. اگر اهل سینمای درام باشید، بدون شک فیلم **Dead Poets Society** را یا دیده‌اید و یا حداقل اسمش را شنیده‌اید. این فیلم اثری کاملاً درام با

صحنه‌هایی به شدت جذاب، دیدنی و به یادماندنی است که ممکن است تماشای آن، به قدری روی‌تان تاثیر بگذارد که احساس کنید تغییر کرده‌اید! درست است که سینمای درام آثار بسیاری دارد که بتواند دیدگاه و یا شخصیت‌مان را عوض کند، ولی این فیلم در میان تمام آنان جایگاه ویژه‌ای دارد و نوآوری‌ها و برخی نکات ریز و درشت باعث شده



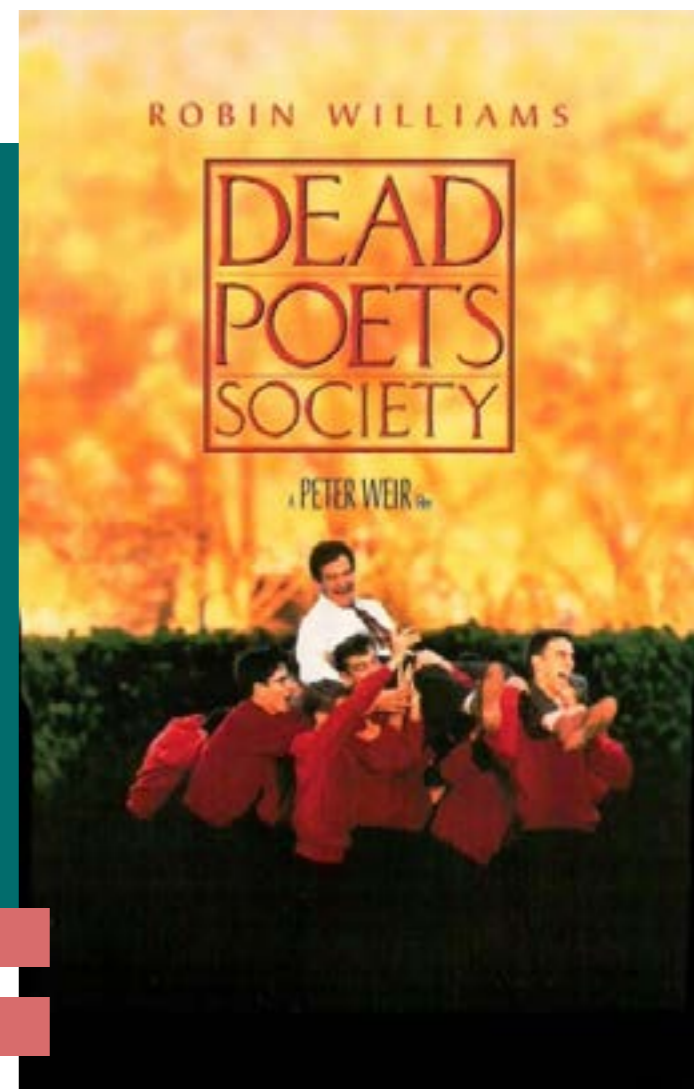
است که همیشه در میان آثار درام برتر از خودش نیز به چشم بیاید و این دلیل اصلی معرفی این اثر در این مقاله است. فیلم **Dead Poets Society** مورد پسند و توجه نوجوانان قرار می‌گیرد، اما توان جذب مخاطبین بزرگسال و نیز متعجب ساختن آنان را به خوبی دارا است. فیلم **Dead Poets Society** به هیچ وجه از آثار ضعیفی نیست که روابط مسخره میان شخصیت‌های آبکی و با احساساتی ساختگی را به نمایش بگذارد و تنها مورد پسند عده‌ای خاص قرار بگیرد، این فیلم بر روی نقاطی از شخصیت افراد دست می‌گذارد و چنان با زیرکی تمام این نقاط را چفت و بست می‌دهد که به راستی از آن تعجب خواهید کرد! صحنه‌های تامل برانگیز، روابط دوستی بسیار صمیمانه، تاثیرگذار و جذاب میان شخصیت‌ها و لحظاتی فراموش نشدنی از ویژگی‌های بی‌نظیر این فیلم هستند که همه و همه دست به دست هم داده‌اند تا آن را به اثری درام تبدیل کنند که به معنای کامل ارزش وقت گذاشتن و تماشای

بیشتر از یک بار را داشته باشد. در نگاهی کلی می‌توان گفت فیلم **Dead Poets Society** اثری است مناسب افرادی که به ژانر درام علاقه دارند و به آن عشق می‌ورزند. این فیلم هر آنچه که از یک درام انتظار دارید و می‌خواهید را به طور کامل و حتی بیشتر درون خود دارد و قطعاً چه به عنوان یک فیلم خوب، جایش را در قلب‌تان پیدا کرده و تبدیل به اثری می‌شود که به سختی بتوانید فراموش کنید و نامش را ذکر نکنید. تماشای این فیلم برای علاقه‌مندان دیگر ژانرها نیز توصیه می‌شود زیرا لحظات بسیار دیدنی و جذابی دارد که به جرات می‌توان گفت بیشتر یا شاید همه سلیقه‌ها را به خوبی پوشش می‌دهد.

- بی‌نظیر این فیلم هستند که همه و همه دست به دست هم داده‌اند تا آن را به اثری درام تبدیل کنند
- که به معنای کامل ارزش وقت گذاشتن و تماشای

## بخشی از فیلم:

پزشکی، حقوق، تجارت و مهندسی حرفه‌های خوبی هستن و برای حفاظت از زندگی انسانی لازمند اما شعر، زیبایی، عاطفه، تخیل، عشق، چیزایی هستن که ما رو زنده نگه می‌دارن!





## منابع:

پایگاه خبری دخالت

سایت گیم شات

ویکی پدیای فارسی

[daneshnameh.roshd.ir](http://daneshnameh.roshd.ir)

